



## الگوی مطلوب اداره و توسعه صنعت نفت

اکسون موبیل بنگاه کوچکی محسوب میشود در سی کشور جهان فعال است و از این تجارت در سال گذشته سی میلیارد دلار درآمد حاصل کرده است. در مقابل، اکثر شرکت های نفتی منطقه خاورمیانه در حوزه ملی خود محدود هستند و توانمندی فنی و مهندسی آنها به سطوح بهره برداری محدود می شود. شرکت های خدمات مهندسی این کشورها در بازار جهانی فعال نیستند و اکثر بازار صنعتی آنها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در اختیار شرکت های صاحب فناوری جهانی قرار دارد.

با وجود سیاست های در پیش گرفته شده، در شرکت های نفتی منطقه خاورمیانه و شرکت های خدمات مهندسی آنها هنوز دو خصوصیت قابلیت فنی و ساخت تجاری به صورت برجسته ای ظهور ندارد. به عبارت دیگر این کشورها هنوز به قدرت های صنعتی - تجاری در این حوزه تبدیل نشده اند.

اصلاح ساختار صنعت نفت و گاز در این کشورها منوط به برنامه ریزی دقیقی

و مهندسی و ماشین آلات به بنگاه های بزرگ نفتی و تأمین کنندگان خارجی تکنولوژی وابسته هستند.

توأم آن بودن ساخت اقتصادی مناسب با توانمندی صنعتی موجب شده است تا بنگاه های بزرگ نفت و گاز قسمت عمده ای از تجارت نفت جهان را اداره کنند و درآمد سرشاری از این طریق به دست آورند. آنها دامنه مختلفی از فعالیت های ارزش آفرین را در حوزه انرژی مدیریت می کنند، به همین دلیل نیز امروزه بیشتر شرکت های "انرژی" نامیده می شوند؛ هر چند هنوز مبنای کسب و کار آنها نفت و گاز است. این بنگاه ها در قسمت های مختلف زنجیره ارزش تولید نفت و گاز در مناطق مختلف جهان فعال هستند. به عنوان مثال شرکت اکسون موبیل در بیش از یک صد و سی کشور دنیا در چهار حوزه تولید نفت و گاز، فرآورش و پتروشیمی فعالیت می کند و از مجموعه کسب و کار اقتصادی خود سالانه میلیاردها دلار سود می برد. شرکت پتروناس (شرکت ملی نفت مالزی) هم که در مقیاس

مطالعه ساختار شرکت های ملی نفت و گاز (NOC) و شرکت های بین المللی نفت و گاز (IOC) در منطقه خاورمیانه و جهان، دو تفاوت عمده را میان این شرکت ها نشان می دهد. نخست اینکه شرکت های بین المللی بزرگ نفت و گاز جهان ساختار بنگاهی تجاری دارند و در محیطی اقتصادی به کسب و کار می پردازند. در ایران و اکثر کشورهای نفت خیز خاورمیانه، شرکت های ملی نفت ساختارهای اداری وابسته به دولت دارند که ماموریت تولید، توزیع و فروش منابع انرژی کشور و کسب درآمد از منابع انرژی را دارند. دوم اینکه جهان مبتنی بر توانمندی فنی و مهندسی و زیرساخت های تکنولوژیکی است و اکثر درآمد این شرکت ها به قابلیت های صنعتی آنها بازمی گردد. تجارت نفت در کشورهای نفت خیز خاورمیانه بر اساس فروش نفت قرار دارد و شرکت های نفت منطقه برای تأمین اکثر نیازمندی های صنعتی خود خصوصاً در سطوح طراحی



است که این دو خصوصیت ساختاری را در آنها تغییر دهد و قابلیت های آنها را در حوزه تجارت و صنعت نفت فعال کند. تلاش برای این اصلاحات در کشورهای منطقه سابقه دارد اما همواره با مشکلات اساسی مواجه بوده است. از جمله این کشورها ایران است که علیرغم زیرساخت انسانی و فعالیت های گسترده در حوزه صنعت نفت هنوز نتوانسته است نیازهای فناوری اساسی خود را از منابع داخلی تامین کند و دامنه صنعت نفت را از محیط ملی خود گسترش دهد و در عرصه تجارت و صنعت جهانی قدم بگذارد.

با وجودی که دولت ایران افق های فنی و صنعتی جدیدی را با حمایت های زیاد در صنعت نفت خود ایجاد کرده است ولی هنوز نتوانسته ساختار بنگاهی و محیط اقتصادی که این شرکت ها باید مطابق اسلوب آن حرکت کنند تا توسعه صنعتی را نهادینه سازند قانونمند نماید.

تاکنون تلاش ها برای اصلاح ساختار صنعت نفت با مشکلات عدیده ای مواجه شده است و حتی برخی از موارد آزادی عمل این صنعت برای فعالیت های صنعتی و تامین هزینه های عملیاتی محدود شده است. مشکل دیگر، ناتوانی در ایجاد فضای همکاری بین المللی مناسب توسعه و سیاست گذاری توسعه صنعتی در حوزه صنعت نفت و گاز است.

اصلاح ساختار صنعت نفت پروژه ای است که نیازمند تعریف دوباره است و نمی بایست مورد سوء برداشت سیاسی قرار گیرد. در این تعریف جدید باید علت مشکلات گذشته و روش های تعامل بخش های مختلف حاکمیت برای تدوین و

در انجام فعالیت ها، بین المللی کردن شرکت های ایرانی یا تأسیس شرکت های جدید بین المللی به ویژه در حوزه بالا دستی صنعت نفت و تدارکات و فعالیت موثر گفتمان محور در میادین مشترک نفت و گاز می شوند.

نکته نهایی اینکه در اجرای سیاست های اصل ۴۴ بیش از آن که اندازه دولت مطرح باشد نوع و کیفیت دخالت دولت در اقتصاد مهم است؛ لذا افزایش ظرفیت ها و توانمندسازی مهم تر از کوچک سازی است. موفقیت در این حوزه ها در گرو شناسایی و باز تعریف نقش دولت در این بخش بوده و بهترین و اساسی ترین تمهید در این راستا تبیین نقش وزارت نفت (دولت) و تنظیم روابط آن با شرکت ملی نفت است. در حوزه بالادستی با توجه به محدودیت قانونی واگذاری، تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی گری (تفکیک جایگاه وزارت نفت و شرکت نفت) صنعت مهم و استراتژیک نفت را وارد مرحله جدیدی از حیات خود می کند.

### سردبیر

اجرای این طرح مورد بررسی قرار گیرد. این پروژه از طریق استقلال امور اجرایی و اقتصادی صنعت نفت از حوزه سیاسی و قرار دادن آن در جهت یک استراتژی کلان توسعه ملی می بایست دو خط مشی اساسی توسعه زیرساخت های فنی - مهندسی و عملکرد اقتصادی را دنبال کند. عدم وجود استراتژی کلی در توسعه صنعتی و محوریت صنایع غیربومی نظیر صنعت خودرو در توسعه صنعت کشور، ناآشنایی نهادهای حکومتی با صنعت نفت و اقتضات توسعه صنعتی، عدم اطلاع رسانی و تعامل ضعیف با مجموعه های خارج و فراتر از صنعت نفت و ضعف نظارت بر فرآیندهای اجرایی باعث نارسایی فعالیت های موجود شده است.

به طور کلی چالش های اساسی صنعت نفت شامل تربیت نیروی انسانی متخصص و به کارگیری موثر آنان، صیانت هرچه بیشتر میدان ها، افزایش سطح تولید جاری جهت ارتقا یا حداقل حفظ سهم ایران در سازمان اوپک، اکتشاف بهره ورا نه، بالا بردن هرچه بیشتر ضریب بازیافت، کاربردی تر کردن تحقیق و توسعه، حفظ محیط زیست